

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۳۹

شیوه‌های بکارگیری کلام اهل بیت (ع) در متون عرفانی ادب فارسی
(تا پایان قرن ششم)

ص (۲۱-۱)

دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد^۱، سیده مریم روضاتیان^۲،

عباسعلی ابراهیمی مهر (نویسنده مسئول)^۳

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده:

پس از قرآن و سخن پیامبر (ص)، تعالیم اهل بیت (ع) بیشترین تأثیر را بر متون عرفانی داشته است. محتوای عمیق کلام اهل بیت (ع) و نیز جنبه‌های بلاغی کلام ایشان، عوامل مهمی بوده تا شعرا و نویسندگان آن را مورد استفاده قرار دهند. استفاده متون عرفانی از تعالیم اهل بیت (ع)، با اغراض گوناگون و به شیوه‌های مختلف انجام گرفته است. در این مطالعه سعی میشود بشیوه نقلی-استنادی، شیوه‌های بازتاب کلام اهل بیت (ع) در آثار برجسته عرفانی ادب فارسی تا پایان قرن ششم هجری، مورد بررسی قرار گیرد. بدیهیست تبیین پیوند ناگسستنی این متون با تعالیم اهل بیت (ع)، از نکات مهمی است که این پژوهش را بیش از پیش مورد توجه قرار میدهد.

واژه‌های کلیدی: بازتاب، اهل بیت (ع)، تعالیم، متون عرفانی ادب فارسی

^۱ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، گروه زبان و ادبیات فارسی

^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، گروه زبان و ادبیات فارسی

^۳ دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عرفانی، دانشگاه اصفهان Ebrahimimehr@gmail.com

مقدمه:

از میان معارف دینی، توجه به مقام والای معصومین(ع) و جنبه های گوناگون گفتاری و رفتاری آنان همواره مورد استناد و استشهاد عرفا و صوفیه بوده و بخش عظیمی از ادب عرفانی را به خود اختصاص داده است. بدیهیست استشهاد و تمثّل عرفا از سیره و کلام اهلبیت(ع)، نشان از نزدیکی فکر و اندیشه صاحبان این متون با اندیشه های معصومین(ع) و نیز حضور مآثورات دینی و معارف اهلبیت(ع) در قلمروهای فکری آنان دارد. در این پژوهش - که از نوع مطالعه کتابخانه ای و به شیوه نقلی استنادیست - سعی میشود با بررسی شیوه های مختلف اثرپذیری متون عرفانی ادب فارسی تا پایان قرن ششم هجری از حدیث و روایات اهلبیت(ع)، ضمن بررسی گستره حضور سخن ایشان در متون تصوف، پیوند ناگسستنی این متون با کلام اهل بیت(ع) نیز نشان داده شود. در پایان این مقدمه، قابل ذکر است شیوه های اثرپذیری متون عرفانی از گفتار اهل بیت(ع) متنوع، پیچیده و چند لایه است؛ بدیهیست ما به دنبال قضاوت درباره صحت استناد گفتار روایت شده در متون عرفانی و عدم صحت آن و یا به دنبال قبول توجیه استناد یا عدم آن نیستیم؛ زیرا ممکن است عارف به حدیثی استناد کرده باشد که چندان توجیه نداشته باشد یا قرین به صحت نباشد؛ اما به هر حال حتی همان سطح از روایات موثق یا منسوب به اهل بیت(ع) که مورد توجه صوفیه قرار گرفته، میتواند قرینه ای برای اثبات فرضیه این پژوهش باشد.

سابقه پژوهش:

پرداختن به عرفان اسلامی و اثرپذیری آن از کلام اهل بیت(ع) همواره مورد توجه بوده و کتب و رساله های زیادی در این باره نگاشته شده است. از مهمترین پژوهشهای انجام گرفته در این خصوص، میتوان به آثار زیر اشاره کرد:

کتاب: تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سید محمد راستگو که در این پژوهش مبنای کار واقع شده است؛ تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، علی اصغر حلبی؛ گوهرهای پراکنده، محمود عابدی؛ سیمای امام علی(ع) در متون نثر عرفانی فارسی، مجتبی دماوندی و سمیه تاجیک؛ سیمای اهلبیت(ع) در عرفان اسلامی، غلام رسول محسنی ارزگانی.

ضرورت تحقیق:

متون عرفانی ادب فارسی بعنوان یکی از منابع مهم عرفان اسلامی و مزین بودن این متون به معارف اهلبیت(ع)، از جایگاه ویژه ای در فرهنگ و تمدن اسلامی برخوردارند. بررسی و تبیین جایگاه

معارف اهل بیت(ع) در این متون و در نتیجه پیوند اندیشه های اصیل عرفانی با سیره و کلام اهل بیت(ع)، از ضروریاتی است که اهمیت این تحقیق را بیشتر نشان میدهد.

شیوه‌های بکارگیری کلام اهل بیت (ع) در متون عرفانی ادب فارسی:

از آنجا که نظریه پردازان اصول عرفانی گاه به قصد تیمّن و تبرک و گاه برای تبیین نکات عرفانی و نیز مشروعیت بخشیدن به آداب صوفیگری، به برخی از احادیث و روایات منقول از اهل بیت(ع) متمسک شده اند؛ یکی از طرقی که میتواند ارتباط متون عرفانی با مکتب اهل بیت (ع) را اثبات کند، پیجویی روایاتیست که از ایشان در این متون تصوّف ذکر شده است. بهره‌گیری متون عرفانی از گفتار اهل بیت(ع)، به آشکال و شیوه‌های گوناگونی از جمله اثرپذیری گزاره ای، گزارشی، تلمیح و تمثیل و...انجام گرفته است که در ادامه با ذکر نمونه هایی از هر شیوه، به این مهم پرداخته میشود:

اثرپذیری گزاره ای:

گزاره در اینجا بمعنی عبارت و جمله(خواه جمله کامل و خواه جمله ناقص) بکار رفته است و به دو گونه اقتباس و حلّ بخش پذیر است.(نک تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، راستگو:ص ۳۰)
اقتباس:

نویسنده در این شیوه، عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی، بی هیچگونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری در سخن خود جای میدهد. این نوع اثرپذیری بارزترین جلوه اثرپذیری متون عرفانی از قرآن و حدیث است و با اهداف گوناگونی چون تبرک و تیمّن، تبیین و توضیح، تشبیه و تمثیل و...انجام میپذیرد.(نک همان)
نمونه های اثرپذیری به شیوه اقتباس:

مستملی بخاری در باب ظاهر و باطن قرآن، به روایتی از امام صادق(ع) استناد میکند: «و نیز خبری است که راوی آن جعفر صادق(ع) است، رضی الله عنه، ان لكل حرف من القرآن ظهرا و بطنا، ای ظاهرا و باطنا فالظاهر هو العلم و الباطن هو المعرفة.» (شرح التعرف، ج ۲:ص ۸۰۵) همچنین او در تفسیر آیه ای از قرآن مجید در باب خوف، به کلام امام صادق (ع) استناد میکند: «و لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ ...» و قال جعفر الصادق(ع): الخوف خوف القطيعة و الجوع جوع المحبة و الشوق و نقص الاموال الاعراض عن الدنيا و حطامها و...» (همان، ج ۳:ص ۱۰۲۱)

صاحب التعرف در باب خدانشناسی به ذکر حکایتی از امام علی (ع) و پاسخ او به مردی که از او در این باب سؤال میپرسد میپردازد: «و کان فی المجلس رجل یقال ... هل رایت ربک یا علی؟ قال: ما کنت لاعبد ربا لم اره، قال: کیف رایته؟ فقال لم تره العیون بمشاهده العیان و لکن رآته القلوب

بحقایق الایقان» (همان، ج ۱: ص ۱۹۹) در عبارات ذکر شده از شرح تعرف، روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده که در متون حدیث نیز آمده است: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمُؤَصِّلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ جَاءَ حَبْرٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ حِينَ عَبْدْتَهُ، فَقَالَ وَيْلَكَ، مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ. قَالَ وَ كَيْفَ رَأَيْتَهُ؟ قَالَ وَيْلَكَ، لَأُتَدْرِكُهُ الْعُيُونُ فِي مُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ.» (کلینی، ج ۱: ص ۹۸)

«قال الحسن بن علی (ع): ان الله تعالى لا يطاع باكره و لا يعصى بغلبه و لم يهمل العباد من المملكه.» گفت: خدای عز و جل را به اكره طاعت ندارند از بهر آنكه بر طاعت کسی اكره كند كه ورا به آن طاعت حاجت بود. (شرح التعرف، ج ۱: ص ۴۴۹) علامه مجلسی در بحار الانوار به نامه ای از جانب حسن بصری به امام حسین (ع) و پاسخ آنحضرت كه حاوی روایت فوق است، اشاره میکند: «كَتَبَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَسْأَلُهُ عَنِ الْقَدْرِ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ... إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُطَاعُ بِإِكْرَاهٍ وَ لَا يُعْصَى بِغَلْبَةٍ وَ لَا يُهْمَلُ الْعِبَادُ فِي الْحِكْمَةِ.» (بحار الانوار، ج ۱۰: ص ۳۲۵)

میبدی در تفسیر خویش به گفتاری از امام باقر (ع) استناد میکند: «قوله تعالى: وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا الْإِيه؛ قال ابو جعفر محمد بن علي: "لا تجالسوا اصحاب الخصومات و الاهواء و الكلام في الله و الجدل في القرآن، فأنهم الذين يخوضون في آيات الله."» (كشف الأسرار و عدة الأبرار؛ ج ۳؛ ص ۳۹۸)، كه روایت مذکور در كشف الغمه اربلی از امام صادق (ع) نقل شده است. «كشف الغمه، ج ۲: ص ۱۲۰)

تعبیر «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» كه از سخنان مولا علی (ع) است (نك نهج البلاغه: ص ۲۸۰)، در متون عرفانی ادب فارسی بازتاب داشته است: صاحب التعرف ضمن پرداختن به فضایل امام (ع) و معرفی كردن ایشان بعنوان مراد عارفان مینویسد: «روزی بر منبر آمده بود، گفت: سلونی عما دون العرش فانما بين الجوانح علما جما...» (شرح التعرف، ج ۱: ص ۱۹۹) همچنین در ابیات زیر از عطار به مضمون «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» اشاره شده است:

مُنَادِي «سَلُونِي» در جهان داد به یک رمز از دو عالم صد نشان داد
(اسرارنامه: ص ۱۰۵)

در بیان رهنمونی آمده صاحب اسرار «سَلُونِي» آمده
(منطق الطیر: ص ۲۵۲)

هجویری در باب توبه، سخن خویش را به گفته امام صادق (ع) مزین میکند: «و هم از وی، امام صادق (ع)، روایت آرنند کی گفت: لا یصح العباده آلا بالتوبه، فقدّم التوبه علی العباده.» (كشف المحجوب: ص ۹۴)

قشیری در رساله خویش به تفسیر صدای ناقوس (زنگ کلیسا) از زبان امام علی (ع) اشاره کرده که در متون روایی (بحارالانوار، ج ۴۰: ص ۱۷۲) نیز ذکر شده است: «از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه حکایت کنند که آواز ناقوس بگوش وی آمد، یاران را گفت دانید که این ناقوس چه میگوید؟ گفتند ندانیم؛ گفت میگوید: سبحان الله حقا ان المولى [صمد] ببقی.» (رساله قشیری: ص ۶۱۶)

احمد غزالی در آثار خویش، بخصوص از کلام امام علی (ع) اقتباس زیادی داشته است که در ادامه به این مهم پرداخته میشود:

عبارت «الحزم سوء الظن» در تحف العقول و بحارالانوار، ضمن وصیت امام علی (ع) به امام حسن (ع) آمده است (بحارالانوار، ج ۷۴: ص ۲۲۷) و غزالی در کلام خویش به آن استناد کرده است: «هر درونی که از خطر کار خبری ندارد، بیم بود که آن نه درون آدمیست که «الحزم سوء الظن» (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۲۶۰)

«جعفر صادق - رضی الله عنه - بیمار بود و همی گفت: "اللهم اجعله أدبا، و لا تجعله غضبا."» (همان: ص ۱۹۶) روایت مذکور در متون حدیث از امام (ع) نقل شده است. (بحارالانوار، ج ۹۲: ص ۱۸) همچنین گفتار «لقاء أهل الخیر عمارة القلوب» کلام علی (ع) است (بحارالانوار، ج ۷۴: ص ۲۱۰) که در نوشته غزالی آمده است: «این کلمات را به سمع دل شنو و بر لوح جان نویس، و مرا در آن واسطه مخلص و منهی صادق دان...» «لقاء أهل الخیر عمارة القلوب و کلامهم تحفه الغیوب.» (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۲۱۳)

«متابعت هوا مردی است و مغوی، «أفرأیت من اتخذ إلهه هوا» و مباشرت محظورات و ارتکاب مناهی از این خیزد: "من أطلال الأمل أساء العمل"» (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۲۱۰) عبارت «مَنْ أطلال الأمل أساء العمل» از امام علی (ع) ذکر شده است. (نهج البلاغه: ص ۴۷۵) «أکتروا ذکر هادم اللذات» فرمان است و «کفی بالموت واعظا» درمان. «اليوم فی الدور و غدا فی القبور.» (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۱۹۳) هر سه عبارت از سخنان امام علی (ع) در نامه به اهل مصر و محمد بن ابی بکر، حاکم مصر، است. (بحارالانوار، ج ۶۸: ص ۲۶۴)

غزالی در خلال سخنان خویش دو بیت آورده است:

رأيت الدهر مختلفا يدور فلا حزن يــــدوم و لا سرور
و شيدت الملوک بها قصورا فما بقى الملوک و لا القصور
(مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۱۹۵)

که ابیات مذکور در دیوان منسوب به امام علی (ع) دیده میشود. (دیوان امام علی: ص ۱۹۶) همچنین دو عبارت «و إليه يرجع الأمر كله» و «حاسبوا قبل أن تحاسبوا و زنوا قبل أن توزنوا.» (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۱۹۷) از علی بن ابی طالب (ع) ذکر شده است. (نهج البلاغه، خطبه ۸۸)

احمد غزالی همچنین در کلام خویش روایتی را ذکر کرده «من ظن أنه بدون الجهد يصل فمتمن و من ظن أنه ببذل الجهد يصل فمتعن.» (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۱۹۷) که امام محمد غزالی این روایت را از قول امام علی (ع) ذکر کرده است. (مجموعه رسائل، غزالی: ص ۱۶۸؛ همان: ص ۲۵۸) همو عافیت و سلامت را در تنهایی و خموشی میدانند و به روایتی اشاره میکند: «وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ.» (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۲۰۱) که از امام علی (ع) ذکر شده است. (نهج البلاغه: ص ۱۷۵)

همچنین عبارات «كن في الدنيا بدنك، و في الآخرة بقلبك» (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۱۳)، از سخنان امام علی (ع) است. (غرر الحکم: ص ۱۴۵)

تعبیر «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا» که بیانگر مرتبه والای یقین امام علی (ع) و منسوب به اوست (بحار الانوار، ج ۴۰: ص ۱۵۳)، غالباً در متون صوفیه آمده و گاهی مولفان آن را تفسیر کرده‌اند، اما نخستین کسی که از آن الهام گرفته مستملی بخاری است که در شرح خود بر «التعرف لمذهب التصوف» چنین آورده است: «لو كشف الغطاء ما ازددت يقينا» گفت: اگر پرده بردارند، من یقین زیادت نگردانم و این سخن یکی از بزرگان است که میگوید: یقین من به قیامت و احوال قیامت به جایگاهی رسیده است که اگر دنیا که حجاب قیامت است و مرگ و گور از میانه برخیزد و احوال قیامت مرا معاینه گردد، یقین من از اینکه هست فزون نگردد و این سخنی نیکوست باید که یقین به اینجا رسد». (شرح تعرف، ج ۳، ص ۳۲۴) این عبارت در سخن غزالی ذکر شده است: «باش تا محک عدل بیارند که خلق جمله در شبند، صبح آن مرگ است. اسفار به قیامت، اشراق به بهشت.» "لو كشف الغطاء ما ازددت يقينا" دعوی ساکنان روز است. (مجموعه آثار فارسی، غزالی: ص ۱۹۳) سهروردی نیز کلام خویش را به عبارت مذکور آراسته کرده است: «عرفت ربي بربي.» و یافت این معرفت خاص، حاصل نشود الا به هدایت خاص... و چون به موهبت این معرفت مخصوص شود... او را زبید که گوید: "لو كشف الغطاء ما ازددت يقينا." (عوارف المعارف: ص ۳۷)

و در شعر عطار نیز آمده است:

که «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ دَادَهُ سَتِ دَسْتِمُ خُدا را تا نبینم کی پرستم
(الهی نامه: ص ۱۲۸)

رشیدالدین میبیدی در توضیح و توصیف «بسم الله»، به کلام امام رضا (ع) استناد کرده است: «بسم الله - گفته‌اند که اسم از سمت گرفته‌اند و سمت داغ است... علی بن موسی الرضا (ع) گفت: «إذا قال العبد بسم الله فمعناه و سمت نفسی بسمه ربی.» (کشف الاسرار، ج ۱: ص ۲۸)

عطار نیشابوری در مدح کسب و ذم سؤال ابیاتی آورده است:

لَنَقْلُ الصَّخْرَ مِنْ قُلُلِ الْجِبَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَنَنِ الرِّجَالِ
يَقُولُ النَّاسُ لِي فِي الْكَسْبِ عَارٌ فَقُلْتُ الْعَارُ فِي ذَلِّ السُّؤَالِ
(الهي نامه:ص:۱۲۸)

که این ابیات عیناً در دیوان امام علی (ع) آمده است. (نک دیوان امام علی:ص ۳۴۰)
تعبیر «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» که از امام علی(ع) نقل شده است (بحار الانوار، ج ۴۱:ص ۳) و بیانگر شوق
امام (ع) در رسیدن به معبود است در شعر عطار اینچنین آمده است:

چون علی «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» گفت «نَاقَةُ اللَّهِ» شیرِ حق را بر گرفت
(مصیبت نامه:ص:۱۴۴)

میبدی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار به روایات و احادیث اهل بیت (ع) استناد کرده است.
او امام علی(ع) را بعنوان یکی از مفسرین برجسته قرآن معرفی میکند و مینویسد: «بدانکه اصحاب
رسول (ص)، ایشان که در تفسیر قرآن سخن گفته‌اند، معروف چهار کسند: علی بن ابی طالب (ع) و
ابن عباس و ابن مسعود و ابی بن کعب. و علی (ع) در علم تفسیر از همه فائق و فاضلتر بود.» (کشف
الاسرار، ج ۱۰:ص ۶۸۶) آنچه در تفسیر کشف الاسرار مشهود است آن است که میبدی در این تفسیر
بیشتر از کلام امام علی(ع) و بعد از آن از کلام امام صادق (ع) بهره برده است. در ادامه برای روشن
شدن موضوع، چند نمونه از این شیوه اثرپذیری ذکر میکنیم:

«و عن علی بن ابی طالب (ع)، قال: "سألت النبی صلی الله علیه و آله و سلم عن الايمان ما هو؟
قال - معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالاركان."» (کشف الأسرار، ج ۱: ص ۶۹)
که عین عبارت در نهج البلاغه آمده است: «[و قَالَ (ع)] وَ [أَقْدًا] سُئِلَ عَنِ الْإِيْمَانِ فَقَالَ الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ
بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.» (نهج البلاغه، امام علی:ص ۵۰۸)

نمونه های دیگر:

«قيل: لعلی (ع) ما "الخنس" "الجوار- الكنس؟" قال هي الكواكب تخنس بالنهار فلا ترى. و تكنس
بالليل فتأوى الى مجاريها و قيل: الكنس بقر الوحش و الكنس الطباء.» (کشف الأسرار، ج ۱۰: ص ۳۹۷)

و نیز

«و لا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ - یعنی: يظلمون أنفسهم بالخيانة و السرقة، و يرمون بها
غيرهم. جدال، درشتی و سختی خصومت گرفتن است... و قال علی بن ابی طالب (ع): «إِيَّاكُمْ وَ
الخصومة فأنها تمحق الدين.» (همان، ج ۲: ص ۶۷۳)

«بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْوًا عَنِ الْمُنْكَرِ الْآيَةُ ... و قال تعالى: وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْآيَةُ.» و قال علی بن ابی طالب (ع): افضل الجهاد الأمر بالمعروف و النهی
عن المنکر و شأن الفاسقين، فمن أمر بالمعروف شدّ ظهر المؤمن، و من نهى عن المنکر ارغم انف
المنافق، و من غضب لله غضب الله له.» (همان، ج ۲: ص ۲۳۴)

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ». و لهذا قال علی علیه السلام: من وسَّع علیه دنیا و لم یعلم انه مکر به فهو مخدوع عن عقله. وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ. همان نصرت مداولت است. امیر المؤمنین علی (ع) گفت: «إِنَّ لِلْبَاطِلِ جَوْلَةً ثُمَّ يَضْمَحِلُّ.» (همان، ج ۲: ص ۳۱)

حلّ:

نمونه های اثرپذیری به شیوه حل:

هجویری در معنی طاغوت، کلام خود را به روایتی از امام باقر(ع) مزین میکند: «و از وی-امام باقر(ع)- روایت آرند که گفت اندر تفسیر کلام خدای عزّ و جلّ، فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ، قال: كلّ من شغلک عن مطالعة الحقّ فهو طاغوتک.» (کشف المحجوب: ص ۹۳) روایت مذکور با اندکی تغییر در متون روایی از امام باقر (ع) نقل شده است: «قال كل ما شغلک عن الله من أهل أو مال أو ولد فهو شؤم.» (تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰: ص ۲۵۶)

تعبیر «العجز عن درک الإدراک ادراک» که در سخن غزالی آمده است، «اما چون کار به کمال رسد و آن صورت در درون پرده دل شود... پس یافت هست اما از یافت خبر نیست، که همه عین کار است. و لعل که: "العجز عن درک الإدراک ادراک"» (مجموعه آثار، غزالی: ص ۱۳۸)، ضمن بیستی در دیوان منسوب به علی(ع) آمده است:

العجز عن درک الإدراک إدراک و البحث عن سر ذات السـر إشراک
(دیوان امام علی(ع): ص ۳۰۱)

بیت اول با اندک تغییراتی در مصراع دوم در باب اثبات العلم از کشف المحجوب نیز ذکر شده است. (کشف المحجوب: ص ۲۱)

همچنین غزالی در عبارات «صدیق اکبر، فاروق را میگفت در وصیت: "ان الحق ثقيل و هو مع ثقله مرىء و ان الباطل خفيف و هو مع خفته و بیء.» (مجموعه آثار، غزالی: ص ۱۹۶) پاره هایی از کلام امام علی(ع) را ذکر کرده است: «أن الحق ثقيل مرىء و أن الباطل خفيف و بیء و أنت رجل إن صدقت سخطت و إن كذبت رضيت.» (نهج البلاغه: ص ۵۶۴)

«أمرتم بالزاد، و نودی فیکم بالرحیل، و حبس أولکم لآخرکم، و أنتم تلعبون...» (مجموعه آثار، غزالی: ص ۱۹۴) پاره هایی از کلام غزالی، در نهج البلاغه و در وصف دوزخ نقل شده است: «وَأَنْتُمْ بَنُو سَبِيلٍ عَلَى سَفَرٍ مِنْ دَارٍ لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ وَ قَدْ أُوذِنْتُمْ مِنْهَا بِالْإِرْتِحَالِ وَ أَمَرْتُمْ فِيهَا بِالزَّادِ.» (نهج البلاغه: ص ۲۶۷)

تعبیر «النار و لا العار»، ضرب المثلیست که از دیوان منسوب به امام علی(ع) گرفته شده است:

النار أهون من ركوب العار و العار يدخل أهله في النار
و العار في رجل يبيت و جاره طأوى الحشا متمزق الأظمار
(دیوان امام علی:ص:۲۰۴)

و سه‌روردی آن را در سخن خویش ذکر کرده است: «چون از منهیان غیب این آواز به سمع دل
رسید، به زیر درختی بیفتادم، و دل با مرگ نهادم و با خود می‌گویم: النار و لا العار.» (عوارف
المعارف:ص:۷۷)

در بیت زیر، حکیم سنایی

خفته اند آدمی ز حرص و غلو مرگ چون رخ نمود انتبهوا
(حدیقه سنایی: ص:۹۷)

اشاره ای به کلام مولا علی (ع) داشته و پاره ای از آن را ذکر کرده است: «الناس ینام اذا ماتو
انتبهوا.» (بحار الانوار، ج ۷۰: ص:۳۹)

اثرپذیری گزارشی:

در این شیوه گوینده مضمون و محتوای آیه یا حدیثی را به صورت ترجمه یا تفسیر به پارسی
گزارش میکند؛ خواه بصورت نقل قول مستقیم و یاد کردن این نکته که سخن خود را از قرآن یا
حدیث گرفته است و خواه بصورت نقل قول غیر مستقیم و آوردن مضمون آیه یا حدیث از زبان
خود. (نک تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، راستگو: ص:۳۸)

ترجمه:

در ترجمه، مطلبی را از زبانی به زبان دیگر بر میگردانند و دو گونه است: یکی ترجمه بسته
یا پایخوان «یعنی ترجمه تحت اللفظ که آن را حرف به حرف و کلمه به کلمه حتی با صورت جمله
بندی بی کم و زیاد، از زبان دیگر نقل کرده باشند.» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص:۳۷۳)
در این شیوه، گزاره‌ها بی آنکه معنی و مضمون آنها دچار کمی و بیشی شود، به زبان دیگر ترجمه
میشود. قسم دیگر ترجمه آزاد و باز است، بدین معنی که «روح مقصود و حاصل مراد گوینده و
نویسنده ای را بگیرند و آن را در قالب زبانی دیگر بریزند.» (همان: ص:۳۷۳) بنابراین در ترجمه تحت
اللفظی گرداننده پارسی در قالب و محتوا با اصل سخن مطابقت دارد؛ اما در ترجمه باز و آزاد، تغییراتی
در ساختار و معنی ایجاد میشود.

نمونه‌های اثرپذیری به شیوه ترجمه:

«آبادانی عالم به چهار کس است: عالمی که به علم کار کند، و جاهلی که از آموختن ننگ ندارد، و
توانگری که حق مال به شرع گذارد و درویشی که آخرت به دنیا نفروشد.» (مجموعه
آثار، غزالی: ص:۲۱۴) عبارات فوق کلام علی (ع) است که عیناً در نهج البلاغه آمده است. امام (ع) در

این کلام نورانی خطاب به جابر انصاری درباره قوام دین و دنیا سخن میگوید: «يَا جَابِرُ قَوَامُ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ عَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ عِلْمَهُ وَ جَاهِلٍ لَّا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ جَوَادٍ لَّا يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ وَ فَقِيرٍ لَّا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ» (نهج البلاغه: ص ۵۴۱)

در تذکرة الاولیای عطار، در تفسیر آیه «فمن يكفر بالطّاعوت و يؤمن بالله» (بقره/۲۵۶)، به ترجمه روایتی از امام محمد باقر استناد شده است: «بازدارنده تو از مطالعه حق طاغوت است، بنگر تا [به] چه محجوبی؟ بدان حجاب از وی بازمانده‌ای. به ترک آن حجاب بگویی که به کشف ابدی برسی و محجوب ممنوع باشد و ممنوعی نباید که دعوت قربت کند.» (تذکرة الأولیاء: ص ۷۱۲) این روایت در روضات الجنان، در ذکر امام باقر (ع) آمده است. (روضات الجنان و جنات الجنان، ج ۲: ص ۴۰۴)

تعبیر «دنیا همچون مردار است»، که از امام علی (ع) نقل شده: «إنما الدنيا جيفة و المتواخون [المؤاخون] علیها أشباه الكلاب فلا تمنعهم إخوتهم لها من التهارش علیها.» (غرر الحکم: ص ۱۳۷)؛ به کرات در متون تصوف و بخصوص آثار عطار ذکر شده است: «و یک روز - شبلی - میگذشت و جماعتی از متنعمان دنیا به عمارت و تماشای دنیا مشغول شده بودند. شبلی نعره‌یی بزد و گفت: دلپایبست که غافل مانده است از ذکر حق، تا لاجرم ایشان را مبتلا کرده‌اند به مردار و پلیدی دنیا.» (تذکرة الاولیاء: ص ۵۴۳) همچنین:

چه مینازی بر این دنیای غدار که تو کرکس نبی گر اوست مردار (اسرارنامه: ص ۱۳۶)

در مثنوی الهی نامه، ترجمه منظوم حدیثی از امام علی (ع) نقل شده است: که ویرانیست این دنیای مردار و زو ویرانتر است آن دل بصد بار (الهی نامه: ص ۳۵۲)

و در جایی دیگر از الهی نامه نیز آمده است:

چو مرداری است این دنیای غدار سگان هنگامه کرده گـرد مردار (همان: ص ۳۳۰)

در عبارات زیر از تذکرة الاولیاء، عطار به ترجمه روایاتی از امام صادق (ع) استشهد کرده است: و گفت: «در معنی این آیت که یختصّ برحمته من یشاء.. "مؤمن آن است که ایستاده است با نفس خویش، و عارف آنست که ایستاده است با خداوند خویش" و گفت: "هر که مجاهده کند با نفس برای نفس، برسد به کرامات و هر که مجاهده کند با نفس برای خداوند، برسد به خداوند" و گفت: "الهام از اوصاف مقبولان است و استدلال ساختن که بی‌الهام بود، از علامت راندگان است." و گفت: "مکر خدای - عزّ و جلّ - در بنده نهانتر است از رفتن مورچه، در سنگ سیاه، به شب تاریک" ... و گفت: "از صحبت پنج کس حذر کنید: یکی از دروغگوی، که همیشه با وی در غرور باشی؛ دوّم از احمق که آن وقت که سود تو خواهد، زیان تو بود و نداند؛ سیّوم بخیل، که بهترین وقتی از تو ببرد؛

چهارم بددل، که در وقت حاجت تو را ضایع کند؛ پنجم فاسق که تو را به یک لقمه بفروشد. و به کمتر لقمه‌یی طمع کند." (تذکره الأولیاء، متن، ص: ۱۶)

در کشف الاسرار میبیدی ترجمه حکایتی از امیرالمومنین آمده است که در آن مردی از بنی تمیم از حضرت درباره «اصحاب الرّس» سوال میکند: «یا امیر المؤمنین، خبر ده ما را از اصحاب رسّ در کدام عصر بودند و چه قوم بودند؟ دیار و مسکن ایشان کجا بود؟ پادشاه ایشان که بود؟ ربّ العزّه پیغامبر بایشان فرستاد یا نفرستاد؟ و ایشان را به چه هلاک کرد؟...» (کشف الاسرار، ج ۷، ص: ۳۶) این حکایت عیناً ترجمه ایست که روایت اصلی آن در متون حدیث از امام علی (ع) ذکر شده است: «فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنِي عَنْ أَصْحَابِ الرَّسِّ فِي أَيِّ عَصْرِ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانَتْ مَنَازِلُهُمْ وَ مَنْ كَانَ مَلِكُهُمْ وَ هَلْ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ رَسُولًا أَمْ لَا وَ بِمَا ذَا أَهْلَكُوا...» (بحار الانوار، ۱۳۶۳، ج ۵۶، ص: ۱۱۰)

دوست گرچه دو صد، دو یار بود دشمن ار چه یکی هزار بود
(همان: ص: ۴۴۸)

ترجمه گونه ایست از سخنان حکمت آمیز مولا علی (ع) که دشمن را نباید دست کم گرفت: «الوَاحِدُ مِنْ الْأَعْدَاءِ كَثِيرٌ.» (غررالحکم: ص: ۴۶۲)

در بیت زیر

ز بهر کشت آنجا راست اینجا کشتن آدم ز بهر زاد آنجا راست اینجا زادن حوا
(دیوان سنایی: ص: ۲۱۱)

مصراع دوم، ترجمه گونه ای از این کلام منظوم امام علی (ع) است:

له ملک ینادی کل یوم لدوا للموت و ابنوا للخراب
(دیوان امام علی (ع): ص: ۱۸)

همچنین مضمون مصراع دوم در روایتی از امام (ع) نیز آمده است: «إِنَّ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ مَلَكًا يَنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ يَا أَهْلَ الدُّنْيَا لِدُوا لِلْمَوْتِ وَ ابْنُوا لِلْخَرَابِ وَ اجْمَعُوا لِلذَّهَابِ.» (غررالحکم: ص: ۱۳۳)

چند بیت دیگر از حکیم سنایی:

علم کز تو تو را نـــــــبستاند جهل از آن علم بـــــــود صد بار
(دیوان سنایی: ص: ۱۳۸)

ترجمه ایست از کلام امام علی (ع): «عِلْمٌ لَا يُصْلِحُكَ ضَلَالٌ ، وَ مَالٌ لَا يَنْفَعُكَ وَبَالٌ.» (غررالحکم: ص: ۴۶)

دهد ایزد گه سؤال و جواب هرکسی را به قدر عقل ثواب
(حدیقه الحقیقه: ص: ۳۰۵)

ترجمه گونه روایتی از امام محمد باقر(ع) است : «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا.» (بحار الانوار، ج ۱ : ص ۱۰۶)

مرد عاقل همیشه تندرست است مرد جاهل ذلیل و غم‌خوار است
(حدیقه الحقیقه: ص ۲۹۷)

مصراع نخست ترجمه واریست از این سخن امام علی(ع): «الْعَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا غَضِبَ وَإِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ.» (غررالحکم: ص ۵۴)

هر که با عقل آشنا باشد از همه عیبها جدا باشد
(حدیقه الحقیقه: ص ۲۹۹)

ترجمه بازیست از این سخن امام علی(ع): «الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذَّنُوبِ وَ تَنَزَّهَ عَنِ الْعُيُوبِ.» (غررالحکم: ص ۵۴)

بد کسی دان که دوست کم دارد زو تبر چون گرفت بگذارد
(حدیقه الحقیقه: ص ۴۴۸)

مصراع اول ترجمه بازیست از این سخن علی(ع) در آیین دوستیابی: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْأَخْوَانِ، وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ.» (راستگو، ۱۳۶۹: ۱۷۱)

سوی مرگ است خلق را آهنگ دم زدن گام و روز و شب فرهنگ
(حدیقه الحقیقه: ص ۴۲۰)

مضمون هر دو مصراع، ترجمه هایی از کلام امام علی(ع) است: مصراع اول: «نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاهُ إِلَى أَجْلِهِ.» (نهج البلاغه: ص ۴۸۰) و مفهوم مصراع دوم: «وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَتَنَازَعَانِ فِي هَدْمِ الْأَعْمَارِ.» (اصول کافی، ج ۸: ص ۲۳)

مضمون و مفهوم ابیات ذیل همسو با ترجمه حدیثی از امام علی (ع) در اهمیت خودشناسیست: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ كَيْفَ يَعْرِفُ رَبَّهُ.» (غررالحکم: ص ۲۳۳) و یا «كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ؟» (همان)

ای شده در شناخت خود عاجز ای شده در شناختی خود را هرگز
چون تو در علم خود زبون باشی عارف کردگار چون باشی

(حدیقه الحقیقه: ص ۶۳)

آنکه او نفس خویش نشناسد نفس دیگر کسی چه پرماسد
(همان: ص ۷۲)

ز کنه ذات او کس را نشان نیست که هر چیزی که گویی اینست آن نیست و
اگر چه جان ما می پیوستی بر دهن او را کندی بر راه؟

(اسرار نامه: ص ۸۷)

مصراع دوم بیت زیر نیز ترجمه کلام حکیم خوش زبان، امام علی(ع)، است که فرمود: «المرء مخبوء تحت لسانه.» (غررالحکم: ص ۲۰۹)

حکیمی خوش‌زبان پاکیزه گفته‌ست که «در زیر زلفان مردم نهفته‌ست» (اسرارنامه: ص ۱۴۱)

«خلقت چشم از پیه»، که در مصراع دوم بیت زیر آمده:

زدودی گنبد خضرا کند او ز پیهی نرگس بینا کند او
(همان: ص ۸۷)

بهره‌مند است از این سخن امام علی (ع) که فرمود: «اعجبوا لهذا الإنسان، ينظر بشحم و يتكلم بلحم و يسمع بعظم و يتنفس من حرم.» (نهج البلاغه: ص ۴۷۰)

ترجمه عبارت «يا بيضاء و يا صفراء غری غیری...» (بحار الانوار، ج ۳۴: ص ۳۱۲) که از امام علی(ع) خطاب به سیم و زر بیت المال نقل شده، در متون عرفانی بازتاب پیدا کرده است:

تو ای زر زرد گرد از ناامیدی تو نیز ای سیم! میکن این سپیدی
(اسرارنامه: ص ۱۰۵)

نویسنده کشف المحجوب در بیان اینکه امیرمؤمنان(ع) با شناخت دنیا و آفت آن، زر و کلوخ دنیا برایش یکسان بود، شرافت این کار را اینگونه برای عارفان و سالکان بیان میکند: «شرف مر آن درست بین و راست دان را باشد که زر نزدیک وی زر بود و کلوخ کلوخ، اما به آفت آن بینا بود تا گوید: یا صفراء و یا بیضاء، غری غیری. یا زر زرد روی و یا سیم سفید کار، به جز مرا فریبید، که من به شما مغرور نگردم، از آن چه من آفت شما دیده ام.» (کشف المحجوب: ص ۳۸) و تفسیر کشف الاسرار نیز به آن اشاره کرده است: «امیرالمومنین علی (ع) دیناری بر دست نهاد گفت: یا صفراء اصفری و یا بیضاء ابیضی و غری غیری، ای دنیا و ای نعیم دنیا، رو که تو عروسی آراسته ای و به انگشت عروسان پنجه شیران نتوان شکست. شو دیگری را فریب ده، که پسر بوطالب سر آن ندارد که در دام غرور تو آید.» (کشف الاسرار، ج ۵: ص ۴۵۳)

مصراع دوم بیت زیر

ای میان خون و خلط آغشتگان معده خود کرده گور کشتگان
(مصیبت نامه: ص ۲۷۷)

ترجمه ایست از سخن منسوب به امام علی (ع) که «لاتجعلوا بطونکم مقابر الحیوان.» شکم خویش را گورستان حیوانات مکنید. (شرح نهج البلاغه، ج ۱: ص ۲۶)

بیت زیر از عطار:

خدا را زان پرسست از جان پرنور که استحقاق دارد وز طمع دور
(اسرارنامه: ص ۲۲۲)

ناظر است به گفته امام علی (ع) که فرمود « الهی ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ وَ لَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ. » (بحار الانوار، ج ۴۱: ص ۱۴)

۲-۲-۲- تفسیر

در این شیوه سخنور آیه یا حدیثی یا مایه و مضمون آنها را بازگشایی میکند و با شرح و بسط در سخن خویش می آورد. (تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی: ص ۴۳) برای نمونه سنایی با تکیه بر احادیث «البطنَةُ تمنع الفتنة» (غرر الحکم: ص ۹۶۳) و «لا تجتمع البطنَةُ و الفتنة» (همان: ص ۹۹۰)، مضامین روایات را در ابیات زیر تفسیر کرده است:

طبل و نایست اصل فتنه و شر هر دو بگذار خوار و خود بگذر
کم خورش تخم شر و بطنت نیست هر کجا بطنت است فطنت نیست

کم خوری ذهن و فطنت و تمییز پر خوری تخم خواب و آلت تییز
هر کسه بسیار خوار باشد او دان کسه بسیار خوار باشد او
باز هر عاقلی که کم خوارست به حقیقت بدان کسه کم خوارست
(حدیقه الحقیقه: ص ۳۹۰)

میبدی در حکایت زیر که از ترجمه کلام امام (ع) بهره گرفته است، به سخن امام (ع) در تفسیر مفهوم «اهدنا الصراط المستقیم» اشاره کرده است. «بویکر نقاش حکایت کرد از امام مسلمانان علی مرتضی (ع) که روزی جهودی مرا گفت: "در کتاب شما آیتی است بر من مشکل شده اگر کسی آن را تفسیر کند تا اشکال من حل شود من مسلمان شوم." امام گفت «آن چه آیت است؟» گفت- اهدنا الصراط المستقیم- نه شما می گوید که براه راستیم و دین روشن اگر چنین است و بر شک نه اید در دین خویش چرا میخواهید و آنچه دارید چرا می جوئید؟» امام گفت «قومی از پیغمبران و دوستان خدا پیش از ما ببهشت رفتند و بسعادت ابد رسیدند ما از الله میخواهیم تا آن راه که بایشان نمود بما نماید، و آن طاعت که ایشان را بر آن داشت تا به بهشت رسیدند ما را بر آن دارد، تا ما نیز بر ایشان در نسیم و در بهشت شویم.» گفتا آن اشکال وی حل شد و مرد مسلمان گشت. "» (کشف الأسرار و عدة الأبرار، میبدی، ج ۱: ص ۱۹) و یا در تفسیر آیه «و يسألونك عن الروح قل الروح من أمر ربي و ما أوتيتم من العلم إلا قليلاً.» (اسرا/۸۵) و تأویل «روح» از قول امام (ع) مینویسد: «علی (ع) و ابن عباس گفتند فریشته ایست در آسمان که او را هفتاد هزار رویت، در هر روی هفتاد هزار زبان، در هر زبانی به هفتاد هزار لغت خدای را عز و جل تسبیح میکند و ربّ العزّه از هر تسبیحی ملکی می آفریند که در عالم قدس با فریشتگان میپرد تا بقیامت.» (همان، ج ۵: ص ۶۱۴)

۲-۳- تلمیح و اشاره

نمونه های اثرپذیری تلمیحی:

گرچه بیرون طرب فزون دارد نوحه گر عاشق از درون دارد
(حدیقه الحقیقه: ص ۳۳۰)

اشاره ایست به کلام امام علی (ع)، خطاب به همام که در آن ویژگیهای مؤمنان را برشمرده است: «
قَالَ يَا هَمَّامُ، الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيِّسُ الْفَطِنُ، بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ.» (اصول کافی، ج ۲: ص
۲۲۶)

سنایی در بیت:

با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن
(دیوان سنایی: ص ۲۳)

تلمیحی به این کلام از امام علی (ع) دارد: «کیف یدعی حبّ الله، من سكن قلبه حبّ
الدنيا.» (غررالحکم: ص ۵۶۶)

حکیم سنایی همچنین در ابیات زیر که درباره حسن معاشرت با مردم است:

چنان زندگی کن ای نیک رای از آن پس که توفیق دادت خدای
که خایند ز اندوهت انگشت دست چو اندر زمین آید انگشت پای
مکن در جهان زندگانسی چنانک جهانسی به مرگ تو دارند رای
(دیوان سنایی: ص ۶۴۸)

در پرهیز از مصاحبت ناهلان دنیاپرست، از مولا علی (ع) ذکر شده است: «ینبغی لمن اراد
اصلاح نفسه و احراز دینه، ان تجنب مخالطه ابنا الدنيا.» (غررالحکم: ص ۳۱۹) که سنایی در بیت زیر
به این موضوع اشاره داشته است:

گر از زحمت همی ترسی ز ناهلان بیر صحبت که از دام زبون گیران به عزلت رسته شد عنقا
(دیوان سنایی: ص ۶۲)

اشاره ای به این سخن امام علی (ع) است: «خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ
عِشْتُمْ حَنُوا إِلَيْكُمْ.» (غررالحکم: ص ۴۳۷)

میر نحل از دست و جان خویش بود زآن که علمش نوش و تیغش نیش بود
(مصیبت نامه: ص ۱۴۴)

امیر نحل، اشاره به کلام امام علی (ع) است که خود را «يعسوب الدين» نامیده است: «أَنَا يَعْسُوبُ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ الْفُجَّارَ.» (نهج البلاغه: ص ۵۳)

راز دل گفتن امام علی (ع) با چاه، که در روایات آمده است (نک بحارالانوار، ج ۴۰: ص ۱۹۹؛ همان:
ج ۹۷: ص ۴۵)، در ادب فارسی نیز به طرق مختلف آمده است و عطار در ابیات زیر به این امر اشاره
نموده است.

گاه در جوش آمدی از کارِ خویش گه فرو گفתי به چه اسرارِ خویش
در همه آفاق همدم می نیافت در درون می گشت و محرم می نیافت.
(منطق الطیر: ص ۲۵۳)

تعبیر سه طلاقه کردن دنیا که اشاره به فرازی از سخنان امام علی (ع) در دوری از دنیا است: «يَا
دُنْيَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي، أَبِي تَعَرَّضْتُ، أُمُّ إِلَيَّ تَشَوَّقْتُ، لَأَحَانَ حِينَكِ هَيْهَاتَ غُرِّي غَيْرِي، لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ
قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا...» (امام علی (ع)، بی تا: ۴۸۰) در متون عرفانی بازتاب گسترده ای داشته
است:

از آن جُستی به دنیا فقر و فاقه که دنیا بود پیشت سه طلاقه
(اسرارنامه: ص ۱۰۵)
چنان مطلق شد او در فقر و فاقه که زر و نقره بودش سه طلاقه
(الهی نامه: ص ۱۲۷)

حکیم سنایی نیز در مکاتیب و حدیقه الحقیقه تعبیر "سه طلاقه کردن دنیا" را بازگو و آن را
سیره امام علی (ع) ذکر کرده است: «کسی که این گنده پیر کبود چادر را- و آن دنیا است- حیدروار،
سه طلاق پاک بر گوشه چادر بسته باشد.» (مکاتیب: ص ۱۱۲)

حیدری نیست انـدرین آفاق دهد این گنده پیر را سه طلاق
در جهان حیدران اگر چه بسند در ره دین به گرد او نرسند
(دیوان سنایی: ص ۴۷۰)

تکبیر گفتن بر دنیا نیز که از مضامین کلام امام علی (ع) است، در اسرارنامه و سایر متون عرفانی
تجلی پیدا کرده است:

ز طفلی تا که خود را میر کردی برین دنیای دون تکبیر کـردی
(اسرار نامه: ص ۱۰۵)

و نیز:

خوانده بر گنده پیری و میری سه طلاق و چهار تکبیر
(همان: ۲۵۴)

بخشیدن انگشتی به سائل در نماز توسط امام علی (ع)؛ که غالب متون تفسیری شأن نزول آیه «
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (۵۵/۵) را این رفتار امام (ع) دانسته اند: «اتَّفَقَ
المفسِّرونَ علی أنَّها نزلت فی علی بن أبي طالب علیه السلام، حين تصدَّقَ بخاتمه فی الصَّلَاةِ راکعاً
هَذَا.» (تفسیر المیزان، طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۴) در متون عرفانی ادب فارسی نیز بازتاب پیدا کرده
است:

علی را گوی تا فرمان بری را ببخشد در نماز انگشتی را
برو با بت‌پرستان داوری کن جهانشان حلقه انگشتی را
(اسرارنامه: ص ۹۶)

۲ - ۴ - حکایت و تمثیل

یکی از شیوه‌های بازتاب سیره و کلام اهل بیت(ع) در متون عرفانی ادب فارسی، کاربرد حکایت و تمثیل برای بیان بهتر آموزه‌های اخلاقی و معنویست. هدف از کاربرد تمثیل در متون را باید تأثیر عمیق‌تر آموزه‌های حکمی و عرفانی دانست تا هر کس با هر میزانی از درک و فهم، آنها را دریابد و بکار گیرد.

نمونه‌های بازتاب تمثیل و حکایات:

دوری گزیدن از دنیا در عرفان و روایت اهل بیت(ع) همواره مورد تأکید است، با این همه و برغم تأکید بر دوری گزیدن از دنیا در عرفان، عطار ضمن اشاره به حکایتی از مولا علی(ع) «تارک دنیا شدن» را نفی و مردود شمرده و در نفی و رد نگرش بدبینانه بر دنیای عینی مادی، از زبان امیرمؤمنان چنین میگوید:

آن یکی در پیش شیر دادگر	ذم دنیا کسرد بسیاری مگر
حیدرش گفتا که «دنیا نیست بد	بسد تویی، زیرا که دوری از خرد
هست دنیا بر مثال کشتزار	هم شب و هم روز باید کشت و کار
زانکه عس و دولت دین سربه‌سر	جمله از دنیا توان برد ای پسر

(مصیبت نامه: ص ۳۵۶)

این نگرش در نهج البلاغه نیز ذکر شده است: امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعد از جنگ جمل وارد بصره شد و در ایامی که در آن جا به سر میبرد، روزی به عیادت یکی از یارانش به نام «علاء بن زیاد» رفت و علاء نزد امام از برادرش عاصم که تارک دنیا، گوشه‌گیر و منزوی گشته بود، شکایت کرد. حضرت دستور داد، فوراً او را حاضر کنند و به او فرمود: ای دشمن جان خود، شیطان عقل تو را ربوده است، چرا به زن و فرزند خویش رحم نمیکنی؟ عاصم عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، تو خودت مثل من به خود سختی میدهی و در زندگی به خود سخت میگیری، من هم از همان روشی استفاده میکنم که شما استفاده میکنید. امام (ع) او را ملامت کرد و فرمود: تو اشتباه میکنی، من در لباس پیشوایی حکومت اسلامی هستم، وظیفه حاکم مسلمین وظیفه دیگریست. (نک نهج البلاغه: ص ۳۲۵)

عطار در تشبیه دنیا به زندان، که از مضامین روایات اهل بیت(ع) است: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ». (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵) و به آن پرداخته شد، به ذکر تمثیلی پرداخته است:

آن عزیزی گفت فردا ذو الجلال
ک «ای فرو مانده چه آوردی ز راه؟»
غرق ادب - مارم ز زنده - دان آمده - - - - -
باد در کف خاک درگاه توام
روی آن دارد که نفروشی مرا
زین همه - آلودگی - سی پاک - هم - بی -
چون نهان گردد تنم در خاک و خشت
آفریدن رایگانم چون رواست
گر کند در دشت حشر از من سؤال
گویم «از زندان چه آرند ای اله؟»
پای و سوسر گم کرده حیران آمده
بنده و زندان - سی راه - توام
خلعتی از فضل در پوششی مرا
در مسلمانسی فرو خاکم بی
بگذری از هر چه کردم خوب و زشت
رایگانم گ - بیام - - - - -
(منطق الطیر: ص ۴۴۵)

در متون عرفانی رساله قشیریه و اسرار التوحید آمده است: «ابوعلی گوید: شاگردی فرا استاد خویش گفت: بنده داند که خدای از او راضیست؟ گفت: نه. شاگرد گفت: داند. استاد گفت: چون داند؟ گفت: چون دل خویش را از خدای راضی یابم، دانم که خدای از من راضیست. (رساله قشیریه: ص ۲۹۷؛ نیز نک اسرار التوحید، ج ۱: ص ۶۱۱) عطار در اسرار نامه نیز چنین مضمونی را ذکر کرده است: اگر از خویش خشنودی تو ای دوست یقین میدان که آن خشنودی اوست (اسرار نامه: ص ۲۲۲)

عبارات و ابیات فوق به مقوله رضا و خشنودی از قضای الهی اشاره دارد و در کلام امام علی (ع) آمده است: «مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسِمَ لَهُ، اسْتَرَحَ قَلْبُهُ وَ بَدَنُهُ.» (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۹) عطار در باب آگاهانه قدم زدن در وادی سلوک:

عل - - - - - سی می رفت روزی گرمگاه - سی
مگر آن مور می زد پا و دستی
بپرسید و بغایت مضطرب شد
بسی بگریست و حیلت کرد بسیار
شبانگه مصطفی را دید در خواب
که دو روز از پی یک مور دایم
نباشی از سلوک خویش آگاه
چنان موری که معنی دار بوده است
رسید آسیب او بر م - - - - - راه - سی
ز عجزش در عل - سی آمد شکسته - سی
چنان شی - سی ز م - موری منقلب شد
که تا آن مور باز آمد به رفتار
بدو گفت «ای عل - سی، در راه مشت - اب
ز تو - بود آسمانها - پُرمتا - هم
که - موری را کن - سی آزرده در راه
هم - ذکر خدای - سی کار بوده است»
(الهی نامه: ص ۱۴۹)

گوینده مایه و اساس سخن خویش را از آیه و حدیثی الهام میگیرد و سخن خویش را بر آن نکته الهامی بنا میگذارد. در ابیات زیر سنایی تحت تاثیر اثرپذیری الهامی، اعتقادات خویش را به روایات مزین ساخته است:

علم کز تو را نه بستاند	جهل بهتر بود از آن صدد بار
غول باشد نه عالم آنکس ازو	بشنوی گفت و نشنوی کردار
بر خود آن را که پادشاهی نیست	بسر گیاهیش پادشاه م شمار
افسری کان نه دین نهسد بر سر	خواه افسر شمار خواه افسار

(دیوان سنایی: ص ۲۹۱)

در این ابیات، سنایی از کلام امام علی (ع) «عِلْمٌ لَا يُصْلِحُكَ ضَلَالٌ...» (غررالحکم: ص ۴۶) و «رَبِّ جَهْلٌ أَنْفَعُ مِنْ عِلْمٍ» (همان: ۷۶) الهام گرفته است.

همچنین حکیم سنایی با الهام از روایت «كَيْفَ يَدْعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبَهُ حُبَّ الدُّنْيَا» (همان: ۱۴۱) با لحنی اعتراض آمیز زبان به مذمت دنیاپرستانی گشوده است که از عشق الهی دم میزنند: با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن (دیوان سنایی: ص ۲۱۴)

در بیت زیر از حکیم سنایی نیز، گونه ای اثرپذیری الهامی از روایت «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (غررالحکم: ص ۲۳۲) دریافت میشود:

در ره قهر و عزت صفتش کنه تو بس بود به معرفتش
(دیوان سنایی: ص ۶۲)

نتیجه گیری:

واکاوی و بحث در متون عرفانی ادب فارسی تا پایان قرن ششم هجری که با هدف شیوه های

بازتاب کلام اهل بیت (ع) در این متون صورت گرفته است، حاکی از آنست که:

۱- در میان منابع عرفان و تصوف سیره و کلام اهل بیت (ع) جایگاه مهم و تأثیر گذار داشته است.

هر یک از اهل معرفت به شیوه های مختلف تحت تأثیر سیره و کلام اهل بیت (ع) قرار گرفته اند و مبانی فکری آنها تحت الشعاع اقوال و تعالیم ایشان شکل گرفته است. این بهره گیری گاه با هدف

تیمن و تبرک بوده و گاه این وامگیریها برای تأیید، استحکام کلام و استدلال بیانشان بوده است.

۲- بیشترین اثرپذیری از احادیث، از نوع اقتباس بوده است.

۳- در میان اهل بیت (ع)، سخنان امام علی (ع) بیشترین بازتاب را در متون عرفانی داشته است.

۴- بازتاب سیره و کلام اهل بیت(ع) در آثار منظوم، در حدیقه سنایی و عطار نیشابوری بیشتر بوده و از میان متون نثر نیز کشف الاسرار میبیدی بیشترین اثرپذیری را از کلام اهل بیت(ع) بخصوص امام علی(ع) داشته است.

منابع و مآخذ:

۱. قرآن کریم .
۲. أسرار التوحید فی مقامات اَبی سعید، میهنی، محمد بن منور، ۱۳۸۶، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، تهران، ۲ جلد، چاپ هفتم.
۳. اسرار نامه، عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۸۶، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن، چاپ چهارم.
۴. الکافی، کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ ه.ش، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۸ جلد.
۵. الهی نامه، عطار نیشابوری، ۱۳۸۴، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، نشر سخن.
۶. بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ه.ق، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۱۰ جلد.
۷. ترجمه رساله قشیریه، قشیری، ابوالقاسم عبد الکریم، ۱۳۷۴، ترجمه ابوعلی عثمانی، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱ جلد، چاپ چهارم.
۸. تذکره الأولیاء، عطار نیشابوری، ۱۹۰۵ م، تصحیح: رینولد آلین نیکلسون، ۲ جلد، لیدن، مطبعه لیدن.
۹. تفسیر المیزان، طباطبایی سید محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیه.
۱۰. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، ۱۳۸۳، محقق / مصحح: دکتر مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱ جلد، نوبت چاپ: ششم.
۱۱. دیوان سنایی، سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، ۱۳۸۱، به اهتمام پرویز بابایی، تهران، نشر آزاد مهر، چاپ اول.
۱۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ ه.ق، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۳. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، ۱۳۷۸ ه.ش، قم، موسسه نشر هما، چاپ شانزدهم.
۱۴. عوارف المعارف، سهروردی، شهاب الدین ابو حفص، ۱۳۷۵، عوارف المعارف، ترجمه ابومنصور اصفهانی، انتشارات علمی و فرهنگی - تهران، ۱ جلد، چاپ: دوم.
۱۵. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ ه.ش، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. کشف الأسرار و عدة الأبرار، میبیدی، ابو الفضل رشید الدین، ۱۳۷۱، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.
۱۷. کشف المحجوب، هجویری، ابو الحسن علی، ۱۳۷۵، مصحح ژوکوفسکی و والننتین آلکسی یریچ، تهران، انتشارات طهوری، نوبت چاپ چهارم.
۱۸. کیمیای سعادت، غزالی، ابوحامد، ۱۳۸۳، به تصحیح حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم.

۱۹. مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، غزالی، احمد، ۱۳۷۶ ه.ش.، به کوشش احمد مجاهد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱ جلد، چاپ سوم.
۲۰. مصیبت نامه، عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۸۵ صحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن.
۲۱. مکاتیب، سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، ۱۳۷۹، مصحح: نذیراحمد، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱ جلد، چاپ اول.
۲۲. منطق الطیر، نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۸۵، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن - تهران، ۱ جلد، چاپ: سوم.
۲۳. نهج البلاغه، علی بن ابی طالب علیه السلام، (بی تا)، انتشارات دار الهمجره قم، ۱ جلد

Abstract

The teachings of Ahl al-Bayt, after Quran and prophet's discourses, have provided the most influence on mystical texts. The deep contents of Ahl al-Bayt discourses as well as the rhetorical aspects were important factors, which were used by poets and writers. Using the mystical books that were originated in teachings of Ahl al-Bayt were completed in different intents with different methods. In this paper, it was aimed to study the reflective methods of Ahl al-Bayt in important mystical writings of Persian literatures until end of six-century using

quotes – citation method. It is clear that unbreakable binding of the books with teachings of Ahl al-Bayt was the important point in this research, which were emphasized in this paper.

Keywords: reflection, Ahl al-Bayt, teachings, mystical texts, Persian literatures